

بیانات در ابتدای درس خارج فقه - 26 / شهریور / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام محرم، [یعنی] دهه‌ی معظم عاشورا تمام شد؛ افراد ما که بعضی از جلسات را میروند نگاه میکنند، محاسبه میکنند، به ما گزارش میدهند، آن طوری که به بنده گزارش کردند و با آنچه خودمان مشاهده کردیم در تلویزیون یا بیرون از تلویزیون، نشان میداد که امسال جلسات بحمدالله خیلی پررونق بود؛ به ما گفتند که جلسات از سال قبل هم پررونق‌تر بود. این خیلی پرمعنا است که در جاهای مختلف تهران جلساتی تشکیل بشود، بیست هزار نفر، سی هزار نفر از مردم تهران در آن شرکت کنند و به سخن سخنرانان گوش بدهند و به عزاداری مداحان و روضه‌خوانان اشک بریزند و گوش بدهند و نگاه کنند. این پیوند با اهل بیت (علیهم السلام)، [آن هم] با این همه تبلیغاتی که دارد علیه مقدّسات انجام میگیرد از طرف دشمنان ما؛ چه در تلویزیون‌ها، چه در رسانه‌های صوتی، چه حالا امروز دیگر در فضای مجازی، [با آن] سرگرمی‌های گوناگون و جاذبه‌های مختلف برای جوانها در عین حال شما نگاه میکنید، می‌بینید که وقتی محرم فرا میرسد، امواج عظیم مردمی به سمت خیمه‌ی حسین بن علی (علیه السلام) حرکت میکنند؛ اغلب هم جوان؛ البته میانسال و پیرمرد هم الحمدالله هستند، اما جوانها، همانهایی که آماج حملات دشمنند [بیشترند]. اینها خیلی معنای مهمی دارد؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که ملت ما در زیر خیمه‌ی حسین بن علی (علیه السلام) یک راهی را دارد ادامه میدهد. من امروز قبل از اینکه بحث فقهی‌مان را شروع کنیم، یک چند جمله‌ای یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم.

ملت در حال تصمیم‌گیری است، در مواجهه‌ی با موج تبلیغاتی گسترده‌ای و عظیمی و عمیقی که از سوی جبهه‌ی دشمن علیه کشور و علیه مقدّسات دارد صورت میگیرد؛ گاهی در داخل کشور یک گوشه‌ای، یک نشانه‌ای از این امواج غالباً زیرزمینی و پنهان خودش را نشان میدهد که دشمن چقدر در این زمینه فعال است که ما البته از بخش مهمی از این توطئه‌ها و مانند اینها آگاهیم، مطلعیم، دستگاه‌های مختلف کشور بحمدالله میفهمند که چه دارد اتفاق می‌افتد؛ اما نقش مردم مهم است. اینکه بنده در همه‌ی صحبتها یا در بسیاری از صحبتها تکیه میکنم بر روی نقش جوانها، بر روی نقش مردم، ناظر به این قضیه است.

برادران، خواهران، کسانی که این سخن را خواهید شنید! زمام امور بهبود اوضاع این کشور، دست مردم این کشور است؛ بخصوص دست جوانان. همه چیز در سایه‌ی عزم مردم، تصمیم مردم، بصیرت مردم، و ایمان مردم در این کشور میتواند در مجرای صحیح خودش قرار بگیرد و کشور را به نقطه‌ی مطلوب خودش برساند. اینکه ما دائم میگوییم «ظرفیتهای داخلی، ظرفیتهای داخلی»، این را باید جدی گرفت؛ هم در زمینه‌ی مسائل فرهنگی، هم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی. در همه‌ی زمینه‌ها، حتی در زمینه‌های اختصاصی دستگاهها، مثل زمینه‌های امنیتی و غیره هم این مردم هستند که میتوانند کمک کنند، پیش ببرند کارها را و اصلاح کنند.

ما امروز از لحاظ علمی حرکت کرده‌ایم، پیشرفت کرده‌ایم؛ این پیشرفت ناشی از همّت بخشی از جامعه‌ی ما است، همّت جوانان ما است؛ در زمینه‌های فتاوری همین جور. خبرهای خوبی هم در زمینه‌های گوناگون تولید و رونق تولید میرسد؛ حالا ان شاءالله اثراتش را بعداً مردم خواهند دید. کارهای خوبی دارد انجام میگیرد؛ غفلتهایی شده است، کوتاهی‌هایی شده، اما حالا حرکتها، بحمدالله حرکتها، به سمت اهداف مطلوب است؛ اینها ان شاءالله دارد انجام میگیرد. علاج کارهای گوناگون، مشکلات گوناگون کشور دست مردم است؛ به بیگانه نباید نگاه کرد، به فلان

دولت و فلان دولت نباید امید بست، به نشست و برخاست با این و آن نبایستی اتکال کرد. اشتباه نشود؛ ما نمیگوییم باب مراد را با دولتهای عالم ببندیم؛ نخیر، بنده سالها رئیس جمهور این کشور بودم، اهل مراد و اهل گفتگو و اهل نشست و برخاستیم، منتها نشست و برخاست کردن یک چیز است، کارهای کشور را به نشست و برخاست با این و آن موکول کردن یک چیز دیگر است؛ این دو می همان چیزی است که ما آن را نمیکنیم، منع میکنیم. هر چه میتوانید از امکانات دنیا استفاده کنید؛ اما بدانید علاج مشکلات در داخل کشور است، حل مشکلات به دست این مردم است.

از بیگانگان، به نفع جمهوری اسلامی که راه نویی را در دنیا به وجود آورده است، نمیشود امید کمک داشت. جمهوری اسلامی حرف جدیدی را در دنیا دارد مطرح میکند؛ متمسکین به نظام پوسیده‌ی سرمایه‌داری غربی ممکن نیست که از این ندای جدید، از این حرف جدید، از این راه جدید استقبال کنند و به آن کمک کنند؛ امکان ندارد. هر چه بتوانند دشمنی میکنند و کرده‌اند؛ البته نمیتوانند، دشمنی‌شان به جایی هم نمیرسد؛ بخصوص آنهایی که دشمنی‌شان واضح است، مثل آمریکا. به حول و قوه‌ی الهی ما پیروز شدیم، بعد از این هم پیروز خواهیم شد، اما این را بدانیم.

الان مشاهده میکنید، آمریکایی‌ها باز مسئله‌ی مذاکره را همین طور دارند دنبال میکنند؛ این یک ترفند است، این را باید همه بدانند، همه باید توجه کنند. البته آمریکایی‌ها هم یک جور حرف نمیزنند؛ گاهی میگویند «مذاکره‌ی بی قید و شرط»، گاهی میگویند «مذاکره‌ی بدون پیش شرط»، گاهی میگویند «مذاکره‌ی با دوازده شرط»؛ حالا یا واقعاً سیاستشان، سیاست آشفته‌ای است، نمیدانند چه میخواهند که احتمال دارد این باشد، یا این است که دارند ترفند میزنند؛ یکی از ترفندها هم همین است: یکی یک حرفی بزند، آن دیگری یک چیز دیگری بگوید، برای اینکه طرف مقابل را سردرگم کند؛ لکن ما سردرگم نمیشویم، راه ما روشن است، ما میفهمیم داریم چه کار میکنیم. آمریکا که میگوید مذاکره کنیم، مقصودش این نیست که بیاییم یک راه حل عادلانه‌ای پیدا کنیم؛ نه، مقصودش این است که بیاییم سر میز مذاکره بنشینیم، ما یک چیزی بگوییم، شما آن را قبول کنید؛ مقصود از مذاکره این است. حالا این قدر گستاخ شده‌اند که همین را صریح هم میگویند. قبلها بنده این را میگفتم که مقصود آمریکایی‌ها این است، بعضی‌ها میگفتند نخیر این جور نیست؛ اما حالا خود آمریکایی‌ها [هم] میگویند. همین چند روز قبل از این، یکی‌شان باز همین حرف را زد که باید بنشینیم سر میز مذاکره با ایران و ایران فلان چیزها را قبول کند؛ مقصود اینها از مذاکره این است؛ یعنی ما یک چیزی بگوییم، شما آن را قبول کنید. خیلی خوب، بروند با آن کسانی که به عنوان گاو شیرده آنها عمل میکنند، هر جور میخواهند همین طور مذاکره کنند؛ اما جمهوری اسلامی، جمهوری مؤمنین است، جمهوری مسلمین لله است، جمهوری عزت است؛ مذاکره‌ای که بنشینند حرف این و آن را قبول کنند، [در آن معنا ندارد].

یک نکته‌ی مهمی در اینجا وجود دارد که این را، هم شما فضلی محترم، علمای محترم – که در بین شما خطبائی هستند، کسانی هستند که با مردم سر و کار دارند – باید توجه کنید، هم عموم مردم بخصوص خواص مردم باید توجه کنند. یک سیاستی را دولت آمریکا در پیش گرفته است و آن، سیاست فشار حداکثری به جمهوری اسلامی است؛ خودشان هم میگویند، میگویند فشار حداکثری. حرف دولت کنونی آمریکا این است: میگوید که آقا با رودربایستی و با تعارف و مانند اینها نمیشود جمهوری اسلامی را به زانو درآورد، نمیشود او را به قبول و تواضع وادار کرد، بایستی فشار حداکثری وارد بیاوریم. فشار حداکثری هم همین است که مشاهده میکنید: انواع و اقسام تحریمهای گوناگون، مدام تهدید، مدام یاهه‌گویی‌های مختلف در رسانه‌ها و غیره؛ این فشار حداکثری است. امیدشان به این است که این فشار حداکثری تأثیر بگذارد. او میخواهد فشار حداکثری را به ثمر برساند هم برای رقبای داخلی خودش، هم برای اروپایی‌ها، هم به عنوان یک سیاست قطعی رژیم ایالات متحده این را جا بیندازد که مواجهه‌ی با

ایران فقط با فشار حداکثری [میسر است].

خب، چه جوری می‌خواهد ثابت کند که این موفق شده است؟ چون تا حالا که فشار حداکثری موفق نشده؛ خودش آن هم می‌گویند. در بین خود آمریکایی‌ها هم کسان زیادی – در دنیا هم همین جور – می‌گویند فشار حداکثری آمریکا نتوانسته ایران را به زانو دریاورد؛ البته قطعاً هم همین است. چه جور می‌خواهد اثبات کند که فشار حداکثری تأثیر دارد؟ به این [صورت] که مسئولین جمهوری اسلامی را بکشاند پای میز مذاکره؛ بگوید ببینید، اینها که می‌گفتند ما با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم، فشار حداکثری، اینها را مجبور کرد که بیایند پای میز مذاکره بنشینند؛ هدف این است؛ با این کار ثابت کنند به همه و تثبیت کنند در سیاست آمریکا که فشار حداکثری، تنها راه مواجهه‌ی با جمهوری اسلامی است؛ این سیاست او است.

ما در مقابل باید توجه داشته باشیم که اگر دشمن ما نتوانست اثبات کند که فشار حداکثری، علاج کار ایران است و روی ایران مؤثر است، ایران دیگر و هرگز روی آسایش را نخواهد دید؛ هر چیزی را که قلدرانه از جمهوری اسلامی مطالبه کنند، اگر جمهوری اسلامی گفت چشم، که خب تمام است؛ اگر گفت نمی‌کنم، فشار حداکثری [خواهند آورد]. اگر برای آنها معلوم شد، ثابت شد که فشار حداکثری کار میکند و اثر می‌گذارد، دیگر جمهوری اسلامی و کشور عزیز ما و ملت عزیز ما واقعاً روی آسایش را نخواهند دید؛ برای خاطر اینکه این سیاست پشت سر همه‌ی مطالبات ناحق و مستکبرانه و قلدرانه‌ی آمریکا قرار خواهد گرفت؛ مسئله این است. اینکه اینها اصرار به مذاکره دارند، اینکه بعضی از اروپایی‌ها را می‌اندازند وسط – که من حالا راجع به اروپایی‌ها یک وقت دیگر صحبت خواهم کرد – که مدام اصرار کنند [اگر] بیایید با رئیس‌جمهور آمریکا یک جلسه بکنید، همه‌ی مشکلات شما حل خواهد شد، به خاطر این است؛ برای این است که اثبات کنند فشار حداکثری سیاست موفقی است و این را باید در مقابل ایران به کار بست. ما باید در مقابل، اثبات کنیم که سیاست فشار حداکثری پیشیزی در مقابل ملت ایران ارزش ندارد.

اگر بخواهیم سخن را در دو جمله خلاصه کنیم، یک جمله این است که مذاکره با آمریکا یعنی تحمیل خواسته‌های آمریکا بر جمهوری اسلامی ایران؛ دوم اینکه مذاکره یعنی نمایش موفقیت سیاست فشار حداکثری از سوی آمریکا. برای همین هم هست که مشاهده کردید رئیس‌جمهور محترم، وزیر خارجه، مسئولین کشور همه یک‌صد، یک‌زبان گفتند که ما با آمریکا مذاکره نخواهیم کرد؛ نه مذاکره‌ی دوجانبه، نه مذاکره‌ی چندجانبه. اگر آمریکا حرف خودش را پس گرفت و به آن معاهده‌ی هسته‌ای که نقض کرده بود برگشت و توبه کرد و شد عضو کشورهای معاهده‌کننده، آن وقت در جمع کشورهای معاهده‌کننده که شرکت می‌کنند و با ایران صحبت می‌کنند، او هم شرکت کند؛ بدون آن، هیچ گونه مذاکره‌ای در هیچ سطحی بین مسئولین جمهوری اسلامی و آمریکایی‌ها اتفاق نخواهد افتاد؛ نه در سفر نیویورک، نه در غیر سفر نیویورک؛ این را هم رئیس‌جمهور محترم تصریح کرد، هم وزیر خارجه گفت، هم دیشب دیدم در تلویزیون، سخنگوی محترم وزارت خارجه گفت؛ اینها نشان‌دهنده‌ی این است که جمهوری اسلامی میدانند چه کار خواهد کرد. اینها در طول این چهل سال، با انواع و اقسام ترندها نتوانسته‌اند جمهوری اسلامی را مغلوب کنند و سیاستهایشان یکی پس از دیگری مغلوب سیاستهای جمهوری اسلامی شده است؛ بعد از این هم به حول و قوه‌ی الهی، آنها مغلوب جمهوری اسلامی خواهند شد و جمهوری اسلامی سربلند و عزیز از میدان خارج خواهد شد.